

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال دوازدهم، شماره ۴۵/۱، بهار ۱۳۹۷

معناشناسی تطبیقی انتظار و زمینه سازی قیام امام مهدی علیه السلام در اندیشه فریقین

جواد جعفری^۱

چکیده

عقیده به قیام امام مهدی علیه السلام اعتقادی مشترک میان شیعه و اهل تسنن است. انتظار و زمینه سازی دو امری است که با این عقیده مرتبط است. نوشته حاضر درصدد بررسی این دو در منابع شیعه و اهل تسنن است. به دلیل روایات فراوان در این باره، مقاله حاضر (جز در موارد نادر) تنها به روایات معتبر استناد کرده است. این تحقیق نشان می دهد انتظار مهدی موعود نزد فریقین امری مشترک است؛ حتی برداشت منفی و پاسخ آن نیز در فریقین مطرح شده است. لزوم زمینه سازی نیز نزد فریقین حتی نزد منکرین اصل مهدویت روشن است. در ادامه وجود گروهی که همیشه به دنبال حق طلبی هستند و زمینه ظهور را فراهم می کنند از روایات فریقین به اثبات رسیده و ویژگی هایی برای آن ها بیان شده مانند آغاز قیام از شرق و پایان آن در بیت المقدس، آسیب ندیدن از مخالفت ها، نبرد آخر با مسیح دجال به رهبری امام مهدی علیه السلام و همراهی حضرت عیسی علیه السلام در پایان نیز روایت دعوت مرد قمی به حق طلبی آورده شده و مقصود امام خمینی علیه السلام از «صدور انقلاب» بیان شده است که ترویج و ایجاد سه امر مهم اسلام ناب، استقلال از بیگانگان و مردم سالاری بوده است. سخن محمدبن سلمان نیز نقد شده و روشن گردیده که بهره ای از

۱. استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده حج و زیارت قم (javad1350jafari@gmail.com).

حقیقت ندارد و تنها برای شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی بیان شده است.

واژگان کلیدی

امام مهدی علیه السلام، انتظار، زمینه‌سازی، امام خمینی علیه السلام، قم، بیت المقدس، محمد بن سلمان.

مقدمه

عقیده به امام مهدی علیه السلام، یعنی باور داشت قیام مهدی موعود در آخرالزمان، عقیده‌ای فراگیر در جهان اسلام است (آلبانی، ۱۴۳۱ق: ج ۹، ۲۷۸).^۱ احادیث فریقین چه شیعه و چه اهل تسنن گویای این است که پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم آمدن مردی صالح از خاندانش را بشارت داده است (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۱۷، ۴۲۶؛ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۱۷۹).^۲ پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است حتی اگر یک روز از عمر دنیا باقی باشد خداوند آن روز را به قدری طولانی می‌کند که فرزندی از نسل ایشان قیام نماید و با تشکیل حکومتی جهانی همه عالم را پراز عدل و داد کند (ابو داود، ۱۴۳۰ق: ج ۴، ۱۰۶؛ ابن بابویه، ۱۳۵۹ ش: ج ۱، ۲۸۰).^۳ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم وقوع این اتفاق بزرگ را قبل از قیامت حتمی بیان کرده‌اند (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۱۷، ۲۰۹؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ج ۲، ۵۹).^۴

اگر از افراد انگشت‌شماری در شیعه و اهل تسنن بگذریم که به دلیل «عدم درک صحیح آیات و روایات»^۵ یا «متأثر شدن از تندروی‌های مدعیان دروغین

۱. حتی وهابیان که بنای ناسازگاری با جهان اسلام دارند در این امر ناگزیر از همراهی شده‌اند. آلبانی در این مورد می‌نویسد: إن عقیده خروج المهدی عقیده ثابتة متواترة عنه صلی الله علیه و آله و سلم يجب الإيمان بها لأنها من أمور الغیب، والإيمان بها من صفات المتقين كما قال تعالى: (الم، ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ، الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ) و إن إنكارها لا يصدر إلا من جاهل أو مكابر.

۲. عن أبي سعيد الخدري، قال: قال رسول الله: أُبَشِّرُكُمْ بِالْمُهْدِيِّ يَبْعَثُ فِي أُمَّتِي؛ عن أبي سعيدٍ قال قال رسول الله: أُبَشِّرُوا بِالْمُهْدِيِّ قَالَ ثَلَاثًا.

۳. عن عبد الله، عن النبي قال: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ فِيهِ رَجُلًا مِثِّي أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَواطِئُ اسْمُهُ اسْمِي، وَاسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا، وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» وَ قَالَ: فِي حَدِيثِ شُفْيَانَ: «لَا تَذْهَبُ، أَوْ لَا تَنْقُضِي، الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَواطِئُ اسْمُهُ اسْمِي». [حكم الألباني]: حسن صحيح؛ عن عبد الله بن عباس قال قال رسول الله... وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلي الْمُهْدِيِّ.

۴. عن أبي سعيد الخدري، قال: قال رسول الله: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، أَجْلِي أَقْبَى، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا، كَمَا مَلَأَتْ قَبْلَهُ ظُلْمًا؛ قَالَ النَّبِيُّ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ قَائِمٌ لِحَقِّ مِثِّي وَ ذَلِكَ جِبِنٌ بِأُذُنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَهُ وَ مَنْ تَبِعَهُ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ اللَّهُ اللَّهُ عِبَادَ اللَّهِ فَأَتُوهُ وَ لَوْ عَلَى التَّلْحِ فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ خَلِيفَتِي.

۵. افرادی مانند ابن خلدون و عبدالله بن زید آل محمود قطری نویسنده کتاب لا مهدی ينتظر بعد الرسول خیر البشر و عذاب محمود الخمس صاحب کتاب المهدی المنتظر فی روایات اهل السنة و الشیعة الإمامیة دراسة حدیثیة نقدیة.

مهدویت^۱ یا «مرعوب شدن در برابر پندارهای غریبان»^۲ نگاهی تردیدآمیز و بعضاً انکار آلود به آموزه مهدویت دارند، این آموزه میان مسلمانان عقیده‌ای پذیرفته شده و انکارناپذیر است. انبوه روایات هم مضمون و بعضاً هم لفظ در کتاب‌های شیعه و اهل تسنن در مورد حضرت مهدی به روشنی نشان می‌دهد افزون بر مشترک بودن اصل این عقیده در میان تمام فرق اسلامی، اکثر مسائل و موضوعات آن نیز میان مسلمانان مشترک است.^۳ وجوه مشترک می‌تواند محور اصلی گفتگو و اتحاد میان مذاهب اسلامی باشد. این مژده نبوی توانایی این را دارد که به گونه‌ای کارآمد ضمن ایجاد وحدت و هم‌دلی در میان امت اسلامی، مسلمانان را به آینده روشن‌شان متوجه گرداند و نیرویی تازه در کالبد جهان اسلام بدمد.

آموزه بالنده مهدوی می‌تواند موجب گردد تا مسلمانان دست در دست هم داده زمینه‌های آمدن آن مرد الهی را فراهم کنند (ابوداود، ۱۴۳۰ق: ج ۴، ۱۰۸؛ ابن ماجه، ۱۴۳۰ق: ج ۲، ۱۳۶۸؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۷۳).^۴ با ایمان به این وعده الهی در برابر دشمنان اسلام بایستند و تا تحقق وعده الهی با متجاوزان مبارزه کنند (بخاری، ۱۴۲۲ق: ج ۹، ۱۰۱).^۵ مبارزه‌ای نه تنها در عرصه نظامی بلکه در تمام عرصه‌های موجود و ممکن (نوی، ۱۳۹۲ق: ج ۱۳، ۶۷).^۶ مبارزه‌ای که تا زمان قیام مهدی علیه السلام موعود ادامه یابد (مسلم بن حجاج، بی تا: ج ۱، ۱۳۷)^۷

۱. افرادی مانند محمد رشید رضا صاحب مجله و تفسیر المنار و احمد امین مصری نویسنده کتاب المهدی و المهدویة.

۲. افرادی مانند احمد کسروی نویسنده کتاب شیعه‌گری.

۳. مانند نام اصلی، لقب مهدی، خاندان، حتی ویژگی‌های ظاهری امام، وقایع قبل و هنگام قیام، محل قیام، تعداد یاران اصلی، فرو آمدن حضرت عیسی، عدالت گستری، جهانی بودن حکومت، سیره حکومتی، اوصاف جهان در دوران حکومت امام مهدی و... برای اطلاع دقیق‌تر رجوع شود به کتاب اشتراکات شیعه و اهل سنت در عقیده مهدویت اثر نگارنده.

۴. عَنْ هَلَالِ بْنِ عَمْرٍو، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي رَافِعٍ يَقُولُ: قَالَ النَّبِيُّ: يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وَرَاءِ النَّهْرِ يُقَالُ لَهُ الْخَارِثُ بْنُ خَرَاثٍ، عَلَى مَقْدِمَتِهِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ مَنْصُورٌ، يَوْطِئُ أَوْ يَمَكُنُ لَيْلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا مَكَثَتْ فَرِيشٌ لِرَسُولِ اللَّهِ، وَجَبَّ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ نَضْرَةٌ أَوْ قَالَ: «إِجَابَتُهُ»؛ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْخَارِثِ بْنِ جَزْءِ الرَّبِيعِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «يَخْرُجُ نَاشٍ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيُؤَطِّئُونَ لِلْمَهْدِيِّ» بِغِنَى سُلْطَانَتِهِ؛ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَاثِلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَنَّهُ قَالَ: كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يَعْطُونَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يَعْطُونَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَصَعُوا سِيوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ فَتَلَاهُمْ شَهْدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوِ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ.

۵. عَنْ الْمُعْبِرَةِ بِنِ شُعْبَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله: قَالَ: «لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ، حَتَّى يَأْتِيَهُمْ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ ظَاهِرُونَ».

۶. أَنَّ هَذِهِ الطَّائِفَةَ مَفْرَقَةٌ بَيْنَ أَنْوَاعِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُمْ شُجْعَانٌ مُقَاتِلُونَ وَ مِنْهُمْ فَقَهَاءٌ وَ مِنْهُمْ مُحَدِّثُونَ وَ مِنْهُمْ زُهَادٌ وَ آمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ مِنْهُمْ أَهْلُ أَنْوَاعٍ أُخْرَى مِنَ الْخَيْرِ وَ لَا يَلْزِمُ أَنْ يَكُونُوا مُجْتَمِعِينَ بَلْ قَدْ يَكُونُونَ مُتَفَرِّقِينَ فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ.

۷. أَنَّهُ سَمِعَ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، يَقُولُ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ يَقُولُ: «لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يَقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»، قَالَ: فَيَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ، فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ: تَعَالَى صَلِّ لَنَا، فَيَقُولُ: لَا، إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أَمْرَاءُ تَكْرِمَةَ اللَّهِ هَذِهِ الْأُمَّةَ.

و عدم همراهی سازش کاران و سست عنصران در اراده پولادین آن‌ها تأثیری نگذارد (مسلم بن حجاج، بی تا: ج ۳، ۱۵۲۳).^۱

بی تردید باید به اصول ثابت مهدویت که میان تمام فرق اسلامی مشترک است، تمسک نمود.

نگارنده برای نشان دادن میزان نزدیکی و فراوانی «اشتراک شیعه و اهل سنت در عقیده مهدویت» با تأکید بر روایات صحیح‌السند برادران اهل تسنن تحقیقی مختصر را در کتابی مستقل ارائه کرده است^۲ که امید دارد مورد توجه امت اسلامی قرار گیرد.

جای بسی تعجب و البته بیشتر تأسف است که گروهی خود را مسلمان بدانند اما از این آموزه وحدت بخش و قدرت آفرین برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان استفاده کنند و موجبات تضعیف امت اسلامی را فراهم آورند. یکی از وظایف مهم اندیشمندان شیعه و اهل تسنن آن است که با تبیین صحیح آموزه‌های مهدویت توطئه‌های تفرقه افکنانه را خنثی نموده و از این آموزه بالنده برای فردای امت اسلامی اندیشه‌ای نو دراندازند.

یکی از مؤلفه‌های مهم در مهدویت، موضوع انتظار قیام امام مهدی عجله الله فرجه و پیرو این انتظار، زمینه سازی برای قیام حضرت است.

برخی از جریان‌های تفرقه افکن درصدد القای این سخن به مخاطبان خود هستند که آموزه «انتظار» ساخته شیعیان است و اهل تسنن چنین عقیده را ندارند.

نوشتار حاضر باهدف روشن کردن این مطلب به نگارش درآمده است تا ثبات کند عنصر انتظار در معارف مهدوی اهل تسنن نیز وجود دارد؛ بلکه زمینه سازی برای قیام امام مهدی عجله الله فرجه که نتیجه و نمود بیرونی انتظار است، بسیار روشن تر و گسترده تر در کتاب‌های روایی اهل تسنن نقل و شرح شده است.

امید است نوشته حاضر قدمی کوچک در راستای تقریب و نزدیکی مسلمانان به هم باشد و از این راه زمینه ظهور امام مهدی عجله الله فرجه فراهم گردد.

انتظار

واژه انتظار در روایات شیعه بسیار تکرار شده است. انتظار فرج برترین رفتار (ابن بابویه،

۱. عَنْ ثَوْبَانَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ عَلَى الْحَقِّ، لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَدَّلَهُمْ، حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ.
۲. جعفری، اشتراکات شیعه و اهل سنت در عقیده مهدویت.

۱۳۶۲ ش: ج ۲، ۶۱۰) ^۱ حتی برترین عبادت (برقی، ۱۳۷۱ ق: ج ۱، ۲۹۱) ^۲ شمرده شده است. به گونه‌ای که خداوند بدون آن اعمال دیگر را نمی‌پذیرد (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۲۰۰). ^۳ منتظران ظهور نیز برترین مردم دوران غیبت امام مهدی علیه السلام معرفی شده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۲، ۳۱۷). ^۴ روایات تصریح دارد که انتظار باید در زندگی شخص بسیار پررنگ باشد و صبح و شام او را در برگردد (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۱۵۸)؛ ^۵ زیرا انتظار فرج خود مایه فرج و گشایش است (طوسی، ۱۴۲۵ ق: ۴۵۹). ^۶ در روایتی دلیل گشایش امور با انتظار، شناخت امر اهل بیت: معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱، ۳۷۱). ^۷

برخی شارحان حدیث، گشایش در سایه معرفت را، هم به معنای گشایش در آخرت تفسیر کرده‌اند؛ یعنی رها شدن از عذاب همیشگی، هم به معنای گشایش در حال حاضر دانسته‌اند؛ یعنی نجات از وسوسه‌ها شیاطین و دل‌تنگی‌های دوران غیبت (مازندرانی، ۱۳۸۲ ق: ج ۶، ۳۲۴).

برای انتظار آدابی نیز در روایات بیان شده است که رعایت آن‌ها فرد را موفق به یاری امام زمانش می‌کند؛ مانند همراه کردن انتظار با صبر (حمیری، ۱۴۱۳ ق: ۳۷۹)، ^۸ پرهیزکاری و اخلاق نیکو (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۲۰۰). ^۹

در بیان مقام منتظر و پاداش انتظار نقل شده است که اگر کسی در حال انتظار از دنیا برود مانند کسی است که در خیمه امام قائم [بوده است؛ بلکه مانند کسی است که کنار پیامبر بوده

۱. عن أبي بصيرٍ و مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاجِدٍ أَرْبَعًا مِائَةً بَابٍ مِمَّا يَصْلُحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ... وَ انْتَظَرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ انْتِظَارُ الْفَرَجِ.

۲. عن السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ: أَفْضَلُ عِبَادَةِ الْمُؤْمِنِ انْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ.

۳. عن أبي بصيرٍ عن أبي عبد الله أنه قال ذات يومٍ ألا أخبركم بما لا يقبل الله عز وجل من العباد عملاً إلا به فقلت بلى فقال... وَ انْتِظَارُ الْقَائِمِ.

۴. عن أبي حمزة الثمالي عن أبي خالد الكائلي قال: دخلت على سیدی علی بن الحسین زين العابدين فقلت له يا ابن رسول الله أخبني... يا أبا خالد إن أهل زمان غيبته القائلين بإمامته و المنتظرين لظهوره أفضل أهل كل زمان.

۵. عن محمد بن منصور الصبقل عن أبيه منصور قال قال أبو عبد الله إذا أصبحت و أمسيت يوماً لا ترى فيه إماماً من آل محمد فأخبب من كنت تحب و أبغض من كنت تبغض و وال من كنت توالی و انتظر الفرج صباحاً و مساءً.

۶. عن الحسن بن الجهم قال: سألت أبا الحسن عن شيء من الفرج فقال أو لست تعلم أن انتظار الفرج من الفرج قلت لا أدرى إلا أن تعلمني فقال نعم انتظر الفرج من الفرج.

۷. عن أبي بصير قال: قلت لأبي عبد الله جعلت فداك متى الفرج فقال يا أبا بصير و أنت ممن يريد الدنيا من عرف هذا الأمر فقد فرج عنه لانتظاره.

۸. أحمد بن محمد بن أبي نصر قال: سألت الرضا... فقال: ما أحسن الصبر و انتظر الفرج.

۹. عن أبي بصير عن أبي عبد الله... قال من سره أن يكون من أصحاب القائم فلينتظر و ليعمل بالورع و محاسن الأخلاق و هو منتظر.

(برقی، ۱۳۷۱ق: ج ۱، ۱۷۳) ^۱ یا مانند کسی است که همراه امام زمان [شمشیرزده است و حتی کنار پیامبر به شهادت رسیده است (برقی، ۱۳۷۱ق: ج ۱، ۱۷۴). ^۲

عقیده انتظار به قدری در مذهب شیعه معروف و مهم است که برخی از نویسندگان اهل تسنن شیعه را با همین نام نامیده‌اند. فخر رازی در معرفی امامیه می‌نویسد آن‌ها «اصحاب الانتظار» هستند (فخر رازی، بی‌تا: ص ۵۵).

در منابع روایی اهل تسنن نیز انتظار فرج، عبادت (بیهقی، ۱۴۲۳ق: ج ۱۲، ۳۵۷) ^۳ بلکه برترین عبادت خوانده شده است (بزار، ۲۰۰۹ م: ج ۱۳، ۷؛ ترمذی، ۱۳۹۵ق: ج ۵، ۵۶۵) ^۴ و سفارش به صبر هنگام انتظار نیز نقل شده است (قضای، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۶۲). ^۵ شارحان حدیث نیز دلیل برترین عبادت بودن انتظار را چند امر دانسته‌اند. یکم حسن ظن به خدا و ناامید نبودن از رحمت الهی بیان کرده‌اند (امیرصنعانی، ۱۴۳۲ق: ج ۲، ۵۷۳). دوم پذیرفتن حکم و قضای الهی (ملا علی قاری، ۱۴۲۲ق: ج ۴، ۱۵۲۹). سوم روی آوردن کامل به خداوند و تنها از او انتظار گشایش داشتن (مناوی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ۱۸۷) و قطع علاقه از سایر اسباب (حکیم الترمذی، بی‌تا: ج ۲، ۲۲۱). چهارم واگذار کردن امور به خداوند (عزیزی، بی‌تا: ج ۲، ۱۸۸).

همچنین گفته‌اند از این که در ابتدای روایت به درخواست از خداوند دستور داده شده و سپس می‌فرماید انتظار برترین عبادت است، نقش کلیدی دعا در انتظار روشن می‌شود. زیرا دعاکننده انتظار دارد دعایش به هدف اجابت برسد و این انتظار اجابت، روحیه خضوع و تذلل را در فرد افزایش می‌دهد (امیرصنعانی، ۱۴۳۲ق: ج ۶، ۴۰۸).

با وجود سفارش به انتظار و بیان فضیلت آن در منابع فریقین، از دیرباز برخی از نویسندگان اهل تسنن و اخیراً فرقه وهابیت با شدت بیشتری این آموزه را در تشیع مورد حمله قرار داده‌اند. یکی از نویسندگان وهابی که سعی کرده تمام سخنان سلفش را در حمله به شیعه جمع‌آوری کند چنین می‌نویسد:

آن‌ها درباره انتظار روایات فراوانی دارند که مجلسی ۷۷ مورد از آن را در بابی با عنوان

۱. عن السندي عن جده قال: قلت لأبي عبد الله ما تقول فيمن مات على هذا الأمر منتظراً له قال هو بمنزلة من كان مع القائم في فسطاطه ثم سكت هنيئاً ثم قال هو كمن كان مع رسول الله.
۲. عن القبيضي بن مختار قال سمعت أبا عبد الله يقول من مات منكم وهو منتظر لهذا الأمر كمن هو مع القائم في فسطاطه قال ثم مكث هنيئاً ثم قال لا بل كمن قارع معه بسيفه ثم قال لا والله إلا كمن استشهد مع رسول الله.
۳. عن أنس عن النبي ﷺ: انتظر الفرج من الله عز وجل عبادة.
۴. عن أنس، قال: قال رسول الله ﷺ: إن أفضل العبادة انتظار الفرج من الله.
۵. عن ابن عمر، قال: قال رسول الله ﷺ: «انتظار الفرج بالصبر عبادة».

«باب فضیلت انتظار فرج و مدح شیعه در زمان غیبت و آنچه سزاوار است در آن زمان انجام شود» گردآوری کرده است؛ تا جایی که به پیامبر خدا نسبت داده‌اند که: «بافضلیت‌ترین اعمال امت من، انتظار فرج از خداوند بلندمرتبه است» یعنی خروج منتظرشان (قفاری، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۸۵۹).

چنان که ملاحظه می‌شود وی از شدت بدگمانی به شیعه حتی روایت نبوی را که در سنن ترمذی و دیگر کتب روایی معتبر اهل تسنن آمده و بسیاری از شارحان اهل تسنن در مورد آن مطلب نوشته‌اند، خبری می‌داند که شیعه به پیامبر نسبت داده است.

وی حتی چند سطر پیش تر ادعا می‌کند که روایات انتظار فرج جعلی است و برای زدودن اندوه از شیعیان ساخته شده است (همان). در حالی که چنان که اشاره شد شارحان اهل تسنن نیز ناامید نشدن از رحمت الهی را از آثار انتظار بیان کرده‌اند.

از این رو کسانی که همانند این وهابی می‌اندیشند و «انتظار مهدی موعود» را تنها ساخته شیعه می‌پندارند، باید توجه نمایند که اولاً اصل «انتظار فرج» به تعبیر استاد شهید مطهری (مطهری، ۱۳۹۲ ش: ج ۲۴، ۴۰۷) از يك اصل کلی اسلامی و قرآنی استنتاج می‌شود و آن اصل «حرمت یأس از روح الله» است.^۱ علاوه که در روایات و منابع اهل تسنن نیز عبادت بلکه برترین عبادت‌ها بیان شده است؛ و باید گفت اگر گشایش در ابتهالات و سختی‌های فردی و کوچک افضل عبادت باشد، به چه دلیل انتظار گشایش در امر تمام مردم که در آخر الزمان رخ خواهد داد، افضل اعمال نباشد؟

ثانیاً انتظار امام مهدی علیه السلام هم مفهومی شیعی نیست، چرا که وقتی پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله وعده می‌دهد که در آینده مردی از تبار من زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، انتظار خودبه‌خود شکل می‌گیرد و دیگر نیازی به حدیث دیگر نیست که دستور به انتظار دهد (مناوی، ۱۳۵۶ق: ج ۵، ۲۶۲؛ تویجری، ۱۴۰۳ق: ۲۴۳).^۲ برادران اهل تسنن نیز طبق احادیث نبوی بر این باورند که مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله در آخر الزمان خواهد آمد و جهان آکنده از ظلم و ستم را از عدل و داد سرشار خواهد کرد. بنابراین، آنان نیز منتظر امام مهدی علیه السلام هستند. ابن قیم جوزیه می‌نویسد:

۱. «يَا بَنِي آدَهْبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يَوْسُفَ وَ آخِيهِ وَ لَا تَبْأَسُوا مِنْ رُؤْحِ آلهِ إِنَّهُ لَا يَبْأَسُ مِنْ رُؤْحِ آلهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (يوسف: ۸۷).

۲. علامه مناوی در شرح حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد قیام امام مهدی علیه السلام می‌نویسد: و هذا هو المهدى المنتظر خروجه آخر الزمان؛ تویجری پس از بیان حدیثی از حضرت علی علیه السلام در مورد امام مهدی می‌نویسد: و من كان بهذه الصفة فهو المهدى المنتظر.

مسلمانان خروج مهدی از اهل بیت نبوت را انتظار می‌کشند که زمین را از عدالت لبریز می‌کند چنان که از ستم پرشده است (ابن قیم جوزیه، ۱۴۰۸ ق: ج ۲، ۳۳۸).

سخن وی دلیلی روشن بر وجود انتظار در میان مسلمانان غیر شیعی است. علاوه بر تصریح وی، آن چه انتظار مهدی موعود را در میان اهل تسنن اثبات می‌کند وجود ده‌ها کتاب در مورد مهدویت است که با عنوان «المهدی المنتظر» نوشته شده است. بدیهی است که اگر انتظار ساخته دانشمندان شیعه بود، اهل تسنن از به کارگیری آن پرهیز می‌کردند.

کتاب‌هایی مانند: «عقد الدرر فی أخبار المهدی المنتظر»، سلمی، متوفای ۶۵۸ ق؛ «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر»، ابن حجر هیتمی، متوفای ۹۷۴ ق؛ «فرائد فوائد الفکر فی الإمام المهدی المنتظر»، مرعی کرمی، متوفای ۱۰۳۳ ق؛ «عقیده اهل السنة و الأثر فی المهدی المنتظر»، عباد، متوفای ۱۳۵۲ ق؛ «تحذیر (تحذیق) النظر فی أخبار الإمام المنتظر»، ابن مانع، متوفای ۱۳۸۵ ق؛ «الإحتجاج بالآثر علی من أنکر المهدی المنتظر»، تویجری، متوفای ۱۴۱۳ ق؛ «المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحة»، بستوی، (معاصر) چنان که ملاحظه می‌شود نویسندگان معاصر حتی وهابی که سر ناسازگاری با شیعه دارند در عنوان کتاب‌شان از واژه «منتظر» استفاده کرده‌اند.

از این رو روشن است که اگر اغراض مذهبی و فرقه‌ای کنار نهاده شود، آشکار خواهد شد که شیعه و سنی در مقوله انتظار هم عقیده و هم نظر هستند. زیرا هم اصل انتظار را قبول دارند هم انتظار حضرت مهدی موعود را.

یکی از دلایلی که موجب شده تا برخی انتظار را تخطئه و شیعه را سرزنش کنند این است که گمان کرده‌اند انتظار مطرح شده در مذهب تشیع نتیجه اعتقاد به غیبت امام مهدی علیه السلام است. چنان که از تعابیر منتقدان می‌توان این را دریافت؛ زیرا معمولاً می‌گویند شیعیان منتظرند تا امام‌شان از غیبت برگردد. اینان چون شدیداً مخالف اعتقاد به غیبت هستند این مخالفت و انکار را به انتظار نیز سرایت می‌دهند.

در حالی که انتظار امام مهدی علیه السلام برگرفته از غیبت نیست هر چند در دوران غیبت، انتظار شدیدتر و مهم‌تر می‌گردد. دلیل این مدعا آن است که انتظار در دوران حضور ائمه: نیز وجود داشته است و روایت متعددی در این زمینه وجود دارد (خزاز رازی، ۱۴۰۱ ق: ۲۶۴).^۱ البته

۱. عَنْ مَسْعَدَةَ قَالَتْ: كُنْتُ عِنْدَ الصَّادِقِ إِذْ أَتَاهُ شَيْخٌ كَبِيرٌ قَدْ انْحَنَى مُتَّكِئًا عَلَى عَصَاهُ فَسَلَّمَ فَرَدَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْجَوَابَ ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ نَاولني يدك أقبَلها فأعطاها يده فقبَلها ثُمَّ بكى فقال أبو عبدالله ما بينك وبينك يا شيخ؟ قال: جعلت فداك أقممت على قائمكم منذ مائة سنة أقول هذا الشهر وهذه السنة وقد كبرت سني ودق عظمي واقترب أجلي ولا أرى ما أحب.

چنان که گفته شد به دلیل اهمیت انتظار در دوران غیبت در برخی روایات به انتظار در دوران غیبت تأکید شده است؛ اما هرگز این روایات بدین معنی نیست که انتظار از غیبت نشئت می‌گیرد. بلکه چنان که پیش‌تر اشاره شد انتظار از وجود وعده نشئت می‌گیرد و این وعده مشترک میان تمام مذاهب اسلامی است. از این رو تمام مسلمانان منتظر قیام امام مهدی علیه السلام هستند.

البته برخی زمینه‌های دیگر نیز وجود دارد که موجب شده است انتظار در میان اهل تسنن به صورت جدی شکل نگیرد. یکی این که اهل تسنن معتقد به امام مهدی‌ای که در میان مردم زندگی می‌کند، نیستند و اعتقاد دارند شخصی به نام مهدی از نسل پیامبر در آخرالزمان متولد خواهد شد و جهان را اصلاح خواهد نمود. ثانیاً آن‌ها قیام امام مهدی علیه السلام را از اشراف الساعه (نشانه‌های قیامت) می‌دانند؛ یعنی معتقدند در کمتر از ده سال پس از قیام امام مهدی علیه السلام قیامت برپا می‌شود و عملاً امام فرصتی برای حکومت و پرورش انسان‌ها نخواهد داشت. از این رو قیام ایشان تأثیر پایداری ندارد تا برای آن انتظاری قوی شکل گیرد.

برداشت دوگانه از انتظار

مهم‌ترین که دو گونه بودن برداشت از انتظار نیز در نوشته فریقین مورد توجه واقع شده است که به نوبه خود نشان‌دهنده وحدت عقیده مسلمانان در انتظار مهدی موعود است. شهید مطهری می‌نویسد:

انتظار فرج و آرزو و امید و دل بستن و به آینده دو گونه است: انتظاری که سازنده و نگره‌دارنده است، تعهدآور است، نیروآفرین و تحرک‌بخش است، به گونه‌ای است که می‌تواند نوعی عبادت و حق‌پرستی شمرده شود و انتظاری که گناه است، ویرانگر است اسارت‌بخش است، فلج‌کننده است و نوعی «اباحیگری» باید محسوب گردد (مطهری، ۱۳۹۲، ش: ج ۲۴، ۴۰۷).

ایشان در توضیح انتظار ویرانگر می‌گوید:

برداشت قشری از مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد؛ فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم‌ها و تبعیض‌ها و اختناق‌ها و حق‌کشی‌ها و تباهی‌ها ناشی می‌شود... علی‌هذا هر اصلاحی محکوم است، زیرا هر اصلاح يك نقطه روشن است؛ تا در صحنه اجتماع نقطه روشنی هست دست غیب ظاهر نمی‌شود. برعکس، هر گناه و هر فساد و هر ظلم و هر تبعیض و هر حق‌کشی، هر پلیدی‌ای به حکم این که مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب‌الوقوع

می‌کند رواست... این گروه طبعاً به مصلحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر با نوعی بغض و عداوت می‌نگرند، زیرا آنان را از تأخیر اندازان ظهور و قیام مهدی موعود عجله الله تعالی فرجه می‌شمارند. برعکس، اگر خود هم اهل گناه نباشند، در عمق ضمیر و اندیشه با نوعی رضایت به گناهکاران و عاملان فساد می‌نگرند، زیرا اینان مقدمات ظهور را فراهم می‌نمایند (همان، ۴۳۶).

تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران بر پایه ولایت فقیه و نیابت از امام غایب بهترین دلیل بر اعتقاد به اقدام و عمل در دوران انتظار نزد علمان شیعه است. از این رو به آوردن سخنان اندیشمندان جهان تشیع چندان نیازی نیست.

نویسندگان اهل سنت حتی وهابیان نیز در نوشته‌های خود به این دو گونه‌گی برداشت توجه کرده‌اند و گوشزد می‌کنند که نباید برداشت منفی موجب تخطئه اعتقاد به مهدویت شود. یکی از وهابیان معاصر می‌نویسد اگر افرادی مانند رشید رضا یا احمد امین مصری اندیشه مهدویت را موجب ترک عمل و فرافکنی مسئولیت و بسنده کردن به اشک و ناله می‌دانند، این بدفهمی و اشتباه به خودشان برمی‌گردد و ارتباطی به اصل اندیشه مهدویت ندارد؛ زیرا تاریخ درخشان اسلام پر است از جنبش‌های اسلامی صحیحی که برای برافراشتن کلمه الله تلاش‌های مهمی کرده‌اند و اندیشه مهدویت مایه تشویق و جرئت یافتن آن‌ها شده است. پس بر مسلمانان واجب است که تلاششان را در این راه مصرف نمایند (بستوی، ۱۴۲۰ق: ۳۸۱).

عفانه رئیس بخش فقه و قانون دانشکده تبلیغ و اصول دین دانشگاه قدس می‌گوید: این عقیده صحیح نیست که گفته شود هرگز دولت اسلامی پیش از ظهور مهدی منتظر برپا نمی‌شود. از این رو جایز نیست مسلمانان اقدام برای برپایی دولت اسلامی را به بهانه ظهور مهدی ترک کنند. این کار باطلی است (عفانه، ۱۴۲۷ق: ج ۱، ۲۰۳).

خالد الراشد از شاگردان عبدالعزیز بن باز می‌گوید:

بندگان خدا زمان خروج مهدی را تنها خدا می‌داند. از این امت خواسته نشده است که بنشینند و اقدام را ترک نمایند و تنبلی نمایند به امید ظهور ایشان در یک روز و ماه و سالی بلکه بر امت اسلامی لازم است اقدام نمایند و برای ظهور و خروج ایشان مقدمات امر را فراهم نمایند (خالد الراشد، بی‌تا: درس ۵۶، ۱۰).

آلبانی حدیث‌شناس معروف وهابی با آن‌که در بسیاری از مسائل اسلامی با جهان اسلام همراه نیست اما در باب نفی برداشت غلط از انتظار با مسلمانان هم‌نواست و می‌نویسد: اعتقاد به خروج مهدی مستلزم فرافکنی و ترک آمادگی و اقدام برای برپایی حکم خدا

در زمین نیست. بلکه عکس آن صحیح است. زیرا تلاش مهدی هرگز بیش پیامبر ما ﷺ نخواهد بود. کسی که ۲۳ سال مدام برای تثبیت پایه‌های اسلام و برپایی حکومت اسلامی تلاش کرد. حال مهدی ممکن است چه کاری بتواند بکند اگر امروز خروج کند و مسلمانان را فرقه فرقه بیابد؟ نمی‌تواند دولت اسلامی را برپا نماید مگر پس از ایجاد وحدت در میان آن‌ها و تشکیل صفی واحد زیر یک پرچم و این کار بدون شک نیاز به زمانی طولانی دارد که خدا مقدار آن را می‌داند. پس شرع و عقل هر دو اقتضا می‌کند که مسلمانان مخلص به این امر لازم بپردازند تا اگر مهدی خروج کرد غیر از رهبری آن‌ها برای پیروزی به چیز دیگری نیاز نباشد و اگر خروج نکرد به تکلیف واجب خود عمل کرده‌اند (آلبانی، ۱۴۳۱ق: ج ۹، ۲۹۷ و ۳۰۴).

سخنان و دیدگاه‌های نقل شده نشان می‌دهد برداشت اشتباه و مخرب از انتظار در تمام جوامع اسلامی وجود دارد و اندیشمندان نیز از تمام مذاهب آن را رد کرده‌اند و انتظار را مایه تلاش و اقدام دانسته‌اند نه گوشه‌گیری و ترک عمل.

حق طلبان زمینه‌ساز ظهور

معلوم شد انتظار در نزد اندیشمندان فریقین مایه تحرک و اقدام است. بی‌شک هدف نهایی در این اقدام و عمل، فراهم کردن زمینه‌ها برای ظهور است. حتی کسانی که اعتقادی به آمدن امام مهدی ﷺ ندارند این مسئله را پذیرفته‌اند که اگر این وعده صحیح باشد باید برای فراهم کردن زمینه‌ها تلاش کرد.

محمد رشید رضا می‌نویسد:

حق تصدیق خروج مهدی‌ای که اسلام را تجدید می‌کند و عدالت را در میان تمام مردم منتشر می‌کند این است که تصدیق‌کنندگان را به آماده شدن برای ظهورش وادارد. به این صورت که گروهی قدرتمند را تشکیل دهند تا به رهبری امام مهدی ﷺ قیام کنند و او را برای برپایی پایه‌های امامتش کمک نمایند. درحالی که چنین نمی‌کنند. بلکه آن‌چه را مایه حمایت و حفظ قدرت اسلام است ترک کرده‌اند و آن ایجاد وحدت کلمه در امت اسلامی و آماده کردن قوت و قدرت به میزان توانی است. در عوض به درگیری باهم و فروگذاران و تضعیف هم پرداخته‌اند و آن‌چه از سرزمین‌شان جدا شده و از شوکت‌شان کم شده موجب پندگیری‌شان نشده است. این رفتار با تکیه بر نزدیک دانستن آمدن مهدی انجام می‌شود. معتقدند او همه چیز را به حالت اول برمی‌گرداند و از ابتدا آغاز می‌کند (محمد رشید رضا، ۱۹۹۰ م: ج ۹، ۴۱۶).

یعنی بدیهی بودن لزوم زمینه‌سازی برای ظهور حتی نزد منکرین این امر نیز آشکار است. روایات متعددی در جوامع روایی فریقین بر وجود زمینه‌سازان ظهور دلالت دارد. استاد شهید مطهری در مورد وجود گروه مبارزان در دوران پیش از ظهور می‌گوید:

در روایات اسلامی سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق می‌شوند. بدیهی است که این گروه ابتدابه ساکن خلق نمی‌شوند و به قول معروف از پای بوته هیزم سبز نمی‌شوند. معلوم می‌شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمینه‌هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زبده را پرورش می‌دهد. این خود می‌رساند که نه تنها حق و حقیقت به صفر نرسیده است، بلکه فرضاً اگر اهل حق از نظر کمیت قابل توجه نباشند از نظر کیفیت ارزنده‌ترین اهل ایمان‌اند و در ردیف یاران سیدالشهداء علیه السلام (مطهری، ۱۳۹۲ ش: ج ۲۴، ۴۳۹).

چنین قیام حق طلبانه‌ای در روایات و منابع بسیار معتبر اهل تسنن به کرات نقل شده است. یوسف بن یحیی سلمی (متوفای بعد ۶۵۸ قمری) در کتاب عقد الدرر بآبی مستقل با عنوان «الباب الخامس فی أن الله تعالی یبعث من یوطئ له قبل إمارته» (مقدسی شافعی سلمی، ۱۴۱۰ ق: ۱۸۷) دارد که روایات زمینه‌سازان ظهور را نقل می‌کند. وی در این باب حدود بیست صفحه‌ای، احادیث را از کتاب‌هایی مانند صحیح بخاری و مسلم گردآوری کرده است.

ویژگی‌های قیام حق طلبان

هرچند قیام برای حق خواهی در طول تاریخ وجود داشته است و به تصریح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در امت اسلامی نیز تا قیامت ادامه خواهد یافت، اما حق خواهانی که حرکت آن‌ها منتهی به ظهور امام مهدی علیه السلام خواهد شد ویژگی‌هایی دارد که از روایات قابل استفاده است.

آغاز قیام از شرق

مرحوم نعمانی با سندی معتبر^۱ حدیث زیر را از امام باقر علیه السلام نقل کرده است:

كَأَنِّي بَقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يَعْطُونَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يَعْطُونَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا

۱. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ (زیدی جارودی، ثقة) قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ (فطحی، ثقة جلیل) عَنْ أَخِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ (فطحی، ثقة علی التحقیق) عَنْ أَبِيهِ (فطحی، رجع عنها عند موته، ثقة جلیل من أصحاب الإجماع علی قول) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَمْرٍو الْخَلْبِيِّ (إمامی، ثقة) عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى (الحناط، إمامی، ثقة علی التحقیق) عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ يَحْيَى بْنِ سَامٍ (إمامی ثقة) عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَلْبِيِّ (إمامی، ثقة جلیل) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَنَّهُ قَالَ: ...

يُدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَىٰ صَاحِبِكُمْ فَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ ۖ أَمَا إِنِّي لَوَ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي -
لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۷۳)؛

انگار گروهی را می‌بینم که از مشرق خروج کرده‌اند. حق را طلب می‌کنند اما به آن‌ها داده نمی‌شود. باز آن را طلب می‌کنند اما به آن‌ها داده نمی‌شود. هنگامی که می‌بینند چنین است شمشیرهای شان را به گردن می‌گیرند. پس آن‌چه می‌خواهند داده می‌شود اما آن را نمی‌پذیرند تا آن‌که قیام می‌کنند و آن را نمی‌دهند مگر به صاحب شما. کشته‌شدگان شان شهیدند؛ اما اگر من آن را درک کنم خویش را برای صاحب این امر نگه می‌دارم.

در این روایت تصریح شده است که گروهی پیش از قیام امام مهدی علیه السلام به منظور حق خواهی از شرق قیام می‌کنند و در نهایت دست آورد خود را تقدیم حضرت می‌دارند. جالب است که این مضمون در روایات اهل تسنن نیز به همین شکل نقل شده است. حاکم نیشابوری با سند خود^۱ از ابن مسعود نقل کرده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ أَحْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَإِنَّهُ سَيَلْقَى أَهْلَ بَيْتِي مِنْ بَعْدِي تَطْرِيدًا وَ تَشْرِيدًا فِي الْبِلَادِ، حَتَّى تَرْتَفِعَ زَيَاةٌ سُوْدٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطُونَهُ، ثُمَّ يَسْأَلُونَهُ فَلَا يُعْطُونَهُ، ثُمَّ يَسْأَلُونَهُ فَلَا يُعْطُونَهُ، فَيَقَاتِلُونَ فَيَنْصُرُونَ، فَسَنُ أَدْرِكُهُ مِنْكُمْ أَوْ مِنْ أَعْقَابِكُمْ فَلَيَأْتِ إِمَامَ أَهْلِ بَيْتِي وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلْجِ، فَإِنَّهَا زَيَاةٌ هُدَى يَدْفَعُونَهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَؤَاطِي أَسْمُهُ اسْمِي وَأَسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي، فَيَمْلِكُ الْأَرْضَ فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتَّ جُورًا وَ ظُلْمًا (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ج ۴، ۵۱۱)؛

ما اهل بیته هستیم که خداوند آخرت را برای ما انتخاب کرده است و اهل بیت من پس از من با طرد و تنهایی در شهرها مواجه خواهند شد تا آنکه پرچم‌های سیاهی از شرق بلند می‌شوند و حق را طلب می‌کنند اما داده نمی‌شود. سپس دوباره طلب می‌کنند اما داده نمی‌شود برای بار سوم طلب می‌کنند، داده نمی‌شود. پس رو به نبرد می‌آورند و یاری می‌شوند. اگر کسی از شما یا نسل شما آن را درک کرد به محضر امام از اهل بیت من برود اگرچه بر روی برف بخزد؛ زیرا آن پرچم هدایتی است که به مردی از خاندان من می‌دهند که همانام من است و نام پدرش همانام پدر من، زمین را مالک می‌شود و پراز عدل و داد می‌کند همان‌گونه که پراز ظلم و ستم شده است.

۱. أَخْبَرَنِي أَبُو بَكْرِ بْنُ دَارِمٍ الْحَافِظُ، بِالْكُوفَةِ، أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عُمَانَ بْنَ سَعِيدِ الْقُرَشِيِّ، ثَنَا يَزِيدُ بْنُ مُحَمَّدِ الثَّقَفِيِّ، ثَنَا خَتَّانُ بْنُ سَدِيرٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ قَيْسِ الْمَلَانِيِّ، عَنْ الْحَكِيمِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ قَيْسٍ، وَعَبِيدَةَ السَّلْمَانِي، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: أَتَيْتَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَخَرَجَ إِلَيْنَا مُسْتَبْشِرًا... فَقَالَ: ...

این روایت را سنن ابن ماجه از کتب سته حدیثی اهل سنت نیز آورده است. بزرگان دیگری نیز مانند ابن ابی شیبہ (ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹ق: ج ۷، ۵۲۷)، بزار (بزار، ۲۰۰۹ م: ج ۴، ۳۵۵) ابوعمرو دانی (ابوعمرو دانی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ۱۰۳۰)، طبرانی (طبرانی، بی تا: ج ۶، ص ۳۰) نقل کرده‌اند؛ اما به دلیل وجود «یزید بن ابی زیاد» در سند حدیث آن را ضعیف دانسته‌اند. رجال سند مستدرک همه ثقه هستند. البته افراد متعصبی مانند ذہبی به دلیل شیعی بود «حنان بن سدیر» خواسته‌اند حدیث را جعلی قلمداد کنند (ابن الملقن، ۱۴۱۱ق: ج ۷، ۳۳۲۳)؛ اما این سخن ادعایی بی دلیل است زیرا کسی از رجالیان حنان را تضعیف نکرده است.

روشن‌ترین حدیث در مورد شروع زمینه‌سازی پیش از ظهور از مشرق حدیثی است که ابن ماجه صاحب یکی از شش کتاب معتبر حدیثی اهل تسنن در کتاب خود آورده است. در این حدیث پیامبر ﷺ با صراحت می‌فرماید:

يُخْرِجُ نَاسًا مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِئُونَ لِمَهْدِي يُعْنِي سُلْطَانُهُ (ابن ماجه، ۱۴۳۰ق: ج ۵، ۲۱۵):

مردمانی از مشرق قیام می‌کنند و برای امام مهدی ﷺ زمینه‌سازی می‌کنند یعنی برای به قدرت رسیدنش.

هرچند سند این حدیث ضعیف دانسته شده است، اما با وجود روایات هم مضمون پیشین و به ویژه روایات بعدی، قابل تقویت و اعتباربخشی است.

پایان قیام در بیت المقدس و اطراف آن

در روایت ابو امامه باهلی از پیامبر اسلام ﷺ به این نکته تصریح شده است.

لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الدِّينِ ظَاهِرِينَ لَعَدُوِّهِمْ قَاهِرِينَ لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَالَفَهُمْ إِلَّا مَا أَصَابَهُمْ مِنْ لَأْوَاءَ حَتَّى يَأْتِيَهُمْ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَذَلِكَ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَأَيْنَ هُمْ؟ قَالَ: بَيْتِ الْمَقْدِسِ وَأَكْنَافِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۳۶، ۶۵۷):

همیشه گروهی از امت من بر دین پیروز و بردشمن‌شان مسلط هستند. کسی با آنان مخالفت کند آسیبی به آنان نمی‌زند مگر سختی‌ای که به آن‌ها می‌رسد تا آن‌ها که امر الهی فرامی‌رسد درحالی که آن‌ها در همین حال‌اند. گفتند ای رسول خدا آن‌ها کجایند؟ فرمود: در بیت المقدس و اطراف آن.

با توجه به روایات بیان شده روشن می‌گردد حرکتی از شرق شروع می‌شود و در نهایت به بیت المقدس و اطراف آن می‌رسد.

برخی از شارحان حدیث این گروه مبارز را «اهل شام» دانسته‌اند (ابن بطال، ۱۴۲۳ق: ج ۱۰، ۶؛ ابن ملقن، ۱۴۱۱ق: ج ۳۲، ۳۹۴؛ طیبی، ۱۴۱۷ق: ج ۸، ۲۶۴۳)؛ اما چنین برداشتی با متن روایت سازگار نیست. صحیح آن است که گفته شود «بیت المقدس» اشاره به مکان است نه اهل؛ یعنی گروهی که قرار است در آخرین نبرد باشند کسانی هستند که در بیت المقدس و اطراف آن می‌جنگند. نه آن که اهل آن جا باشند.^۱

آلبانی حدیث‌شناس و هابی روایات مربوط به این گروه را که با عنوان «الطائفة المنصورة» معرفی می‌کند، صحیح و ثابت می‌داند و به مستفیض بودن آن از صحابه اعتراف دارد (آلبانی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۵۴۰)؛ زیرا به گفته وی هشت تن از صحابه این روایات را نقل کرده‌اند (همان، ج ۴، ۶۰۴)؛ حتی در جایی ادعای تواتر نیز کرده است (آلبانی، ۱۴۳۱ق: ج ۹، ۲۲۷).

آسیب ندیدن از خیانت‌ها و مخالفت‌ها

در برخی روایات تصریح شده است که این گروه زمینه‌ساز و مبارز از طرف برخی افراد و گروه‌ها مورد خیانت و بی‌مهتری قرار می‌گیرند و تنها گذارده می‌شوند و حتی با آن‌ها مخالفت و دشمنی می‌شود اما این مخالفت‌ها و تنها گذاشتن‌ها آسیبی به آن‌ها نمی‌زند. بخاری نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله این جمله را بارها فرموده‌اند:

لَا يَزَالُ مِنْ أُمَّتِي أُمَّةٌ قَائِمَةٌ بِأَمْرِ اللَّهِ، لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَذَلَهُمْ، وَلَا مَنْ خَالَفَهُمْ، حَتَّى يَأْتِيَهُمْ
أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ عَلَى ذَلِكَ (بخاری، ۱۴۲۲ق: ج ۴، ۲۰۷)؛

همیشه از امت من گروهی برای امر الهی به پا می‌خیزند. کسی که آن‌ها را تنها بگذارد و کسی که با آن‌ها مخالفت کند آسیبی به آن‌ها نمی‌رساند. تا آن که امر الهی فرامی‌رسد درحالی که آن‌ها بر کار خود استوارند.

آخرین دشمن مسیح دروغین

ابو داود یکی از روایات بیان‌گر این حرکت عظیم را روایت عمران بن حصین از پیامبر اسلام می‌داند که فرمود:

۱. در صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۲۵ حدیثی بدین عبارت نقل شده است: (عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا يَزَالُ أَهْلُ الْغَزْبِ ظَاهِرِينَ عَلَى الْحَقِّ، حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ».) برخی چنین معنا کرده‌اند که منظور عرب‌ها و اهل شام هستند اما نووی شارح معروف کتاب صحیح مسلم ضمن نقل این معانی، معنایی را در آخر می‌آورد که صحیح‌تر به نظر می‌رسد زیرا با روایات دیگر سازگار است. (نووی، ۱۳۹۲ق: ج ۱۳، ۶۸) الْمَرَادُ بِأَهْلِ الْغَزْبِ أَهْلُ الشَّدَّةِ وَ الْجَدِّ وَ غَزَبٌ كُلُّ شَيْءٍ خَدَّهٖ) یعنی منظور مکان نیست صفت و روحیه است. اهل صلابت و سختی و هوشمند و داری برش.

لا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ عَلَى مَنْ نَاوَأَهُمْ حَتَّى يِقَاتِلَ آخِرُهُمُ الْمَسِيحَ الدَّجَالَ (ابوداود سجستانی، ۱۴۳۰ق: ج ۴، ۱۴۱، باب فی دوام الجهاد)؛ همیشه گروهی از امت من برای حق نبرد می‌کنند. بر کسی که با آنان به دشمنی خیزد پیروز می‌شوند تا آن‌که آخرین گروه‌شان با مسیح دروغین می‌جنگند.

این روایت نشان می‌دهد آخرین سنگر دشمن تعلق به کسانی دارد که خود را مسیحی می‌دانند اما در این ادعا دروغ‌گویی بیش نیستند.

فروآمدن حضرت عیسی علیه السلام در جمع آنان

روایت نقل شده در بند پیشین در نقل احمد بن حنبل از عمران چنین است: «حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ وَ يَنْزِلَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ؛ (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۳۳، ۸۳) تا آن‌که امر الهی فرا می‌رسد و حضرت عیسی علیه السلام فرو می‌آید»، یعنی آخرین گروهی که با مسیح دروغین خواهند جنگید، شاهد فروآمدن حضرت عیسی علیه السلام در میان خود خواهند بود.

مراجعه به روایات فریقین نشان می‌دهد که فروآمدن حضرت عیسی علیه السلام در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام است؛ و این احادیث اشاره به نبرد پایانی در بیت المقدس دارد. ملاعلی قاری در شرح خود به این مطلب تصریح کرده است (قاری، ۱۴۲۲ق: ج ۶، ۲۴۷۴).^۱

حضور امام مهدی علیه السلام در میان آنان

آخرین و مهم‌ترین نکته بیان شده در این روایات تصریح به فروآمدن حضرت عیسی علیه السلام در میان این گروه مبارز است در حالی که امام مهدی علیه السلام نیز در میان آنان حضور دارد. مسلم با سند خود از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:

لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، قَالَ: فَيَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ علیه السلام، فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ: تَعَالَى صَلِّ لَنَا، فَيَقُولُ: لَا، إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أَمْرَاءُ تَكْرِمَةَ اللَّهِ هَذِهِ الْأُمَّةَ (مسلم بن حجاج، بی‌تا: ج ۱، ۱۳۷)؛

همواره گروهی از امت من در راه حق نبرد می‌کنند و تا روز قیامت پیروزند. فرمود: پس عیسی فرزند مریم فرو می‌آید و فرمانده آنان می‌گوید: بیا و برای ما نماز بگذار (امامت کن). می‌گوید: نه برخی از شما بر برخی امیرند کرامتی است که خداوند برای این امت

۱. (حَتَّى يِقَاتِلَ آخِرُهُمْ): أَى: الْمَهْدَى وَ عِيسَى علیه السلام وَ أَتْبَاعُهُمَا (الْمَسِيحَ الدَّجَالَ): وَ يَقْتُلُهُ عِيسَى علیه السلام بَعْدَ نَزُولِهِ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى الْمَنَارَةِ الْبَيْضَاءِ شَرْقِي دِمَشْقٍ بِبَابِ لَهُ مِنْ تَبَاتِ الْمَقْدِسِ حِينَ خَاصَرَ الْمُسْلِمِينَ وَ فِيهِمُ الْمَهْدَى، وَ تَعَدَّ قَتْلَهُ لَا يَكُونُ الْجِهَادَ نَاقِيًا.

قرار داده است.

شارحان حدیث در مورد این که این امیر کیست با آوردن حدیثی که تصریح دارد گفته‌اند منظور امام مهدی علیه السلام است. عباد می‌نویسد حارث بن ابی اسامه در مسند خود با سندش از جابر نقل کرده است که پیامبر فرمود: «ینزل عیسی بن مریم فبقول أمیرهم المهدی: تعالی صل بنا» و از ابن قیم در المنار المنیف نقل کرده است که سند حدیث نیز خوب است. بعد ادامه داده این حدیث نشان می‌دهد امیری که در صحیح مسلم نقل شده که از حضرت عیسی علیه السلام درخواست می‌کند تا در نماز جلو ایستد امام مهدی علیه السلام است (عباد، بی‌تا: درس ۴۸۲، ۳).
آلبانی نیز همین سخن را دارد (آلبانی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ۲۷۸).
البته در روایات متعددی جزئیات بیشتری در مورد این گروه ذکر شده است که به لحاظ ضعف منبع و سند آن روایات از ذکر آن‌ها صرف نظر شد (ر.ک. ابن حماد، کتاب الفتن).

دعوتگری از قم

علامه مجلسی از کتاب تاریخ قم نقل می‌کند که امام کاظم علیه السلام فرمودند:

رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمَّ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كُزِبَ الرَّحْدِيدُ لَا تُرْهِمُ الرِّيحُ
الْعَوَاصِفُ وَلَا يَمْلِكُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَلَا يَجْبُنُونَ وَعَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ (وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ)
(مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۷، ۲۱۶)؛

مردی از اهل قم مردم را به حق دعوت می‌کند. گروهی دور او جمع می‌شوند مانند پاره‌های آهن، طوفان‌های سهمگین لغزشی در آن‌ها ایجاد نمی‌کند و از نبرد خسته نمی‌شوند و نمی‌ترسند و بر خدا توکل می‌کنند «و عاقبت از آن متقیان است».

این روایت تصریح دارد مردی از قم، مردم را برای حق طلبی دعوت می‌کند و گروهی پولادین و مستحکم به دعوت او پاسخ می‌دهند که از جنگ نمی‌هراسند و خسته نمی‌شوند.
فراز پایانی حدیث (و الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) پایان آیه ۱۲۸ سوره اعراف است: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ موسی به قومش گفت: از خدا یاری بجویید و شکیبا باشید که زمین از آن خداست، آن را به هر کس بخواهد وامی‌گذارد و آینده از آن پرهیزگاران است). در تفسیر این آیه اهل بیت: به دو نکته اشاره کرده‌اند. اول آنکه منظور از وارثان و متقیان ما اهل بیت هستیم (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۴۰۷).^۱ دوم این که مصداق آینده از آن پرهیزگاران است، تشکیل آخرین دولت توسط ما

۱. عن أبي جعفر قال: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ أَنَا وَاهْلُ بَيْتِي الَّذِينَ

اهل بیت است (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۴۷۲).^۱

با توجه به اشاره پایانی حدیث به وراثت و حکومت اهل بیت به نظر نگارنده بعید نیست این گروه که به دعوت مردی از قم سامان یافته است، آغازگر گروه حق طلبی باشد که روایات فریقین حرکت آن را از شرق دانسته‌اند و روایات معتبر اهل تسنن نهایت آن قیام را جنگ در بیت المقدس و اطراف آن بیان کرده‌اند که در نهایت به بیان روایات فریقین به ظهور امام مهدی عجل الله فرجه و نزول حضرت عیسی ختم می‌شود و دست آورد این حرکت در اختیار امام مهدی عجل الله فرجه قرار می‌گیرد. مهم‌ترین نکته قابل استفاده از روایات این است که همراهی نکردن و حتی مخالفت دیگر دولت‌ها در به ثمر رسیدن این حرکت خللی ایجاد نمی‌کند. این نکته بزرگ‌ترین بشارت و دلگرمی برای مبارزان حق طلبی است که در اطراف بیت المقدس نبرد می‌کنند.

صدور انقلاب

در پایان مناسب است نظرات حضرت امام خمینی بنیان‌گذار این حرکت مبارک حق طلبی در جهان معاصر در مورد «صدور انقلاب» آورده شود تا پاسخی باشد بر شبهه مطرح شده از طرف معاندان در مورد هدف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از اعلان لزوم «صدور انقلاب». وقتی در سال ۱۳۵۸ برای اولین بار خبرنگار خارجی از امام راحل در مورد صدور انقلاب سؤال می‌کند ایشان پاسخ می‌دهند:

اسلام برای يك کشور، برای چند کشور، برای يك طایفه، حتی برای مسلمین نیست. اسلام برای بشر آمده است. خطاب‌های اسلام «یا ایها الناس» است. گاهی «یا ایها المؤمنون» و یا «یا ایها الناس» است؛ و همه بشر را اسلام می‌خواهد زیرپوشش عدل خودش قرار بدهد. حکومت‌ها مع‌الأسف توجه ندارند به اینکه در زیر سایه اسلام، زیر بیرق اسلام همه مسائل کشورهای شان حل می‌شود (خمینی، بی‌تا: ج ۱۱، ۲۹۵، ۲۶ آذر ۱۳۵۸).

امام راحل رحمته الله در این فراز، مقصود از صدور انقلاب را «عرضه اسلام» به جهان بیان می‌کند. امام در سال ۵۹ منظور از صدور انقلاب را چنین بیان می‌کنند:

أَوْرَثْنَا اللَّهُ الْأَرْضَ وَ نَحْنُ الْمُتَّقُونَ .

۱. عن أبي جعفر قال: دَوْلَتُنَا آخِرُ الدَّوَلِ وَ لَنْ يَبْقَى أَهْلُ بَيْتِ لَهْمٍ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لَيْلًا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سَيِّرَتَنَا إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا مِثْلَ سَيِّرَةِ هَوْلَاءَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ .

ما که می‌گوییم انقلاب مان را می‌خواهیم صادر کنیم به همه کشورهای اسلامی، بلکه به همه کشورهایی که مستکبرین بر ضد مستضعفین هستند، می‌خواهیم یک همچو وضعیتی پیش بیاوریم که دولت یک دولت زورگوی جبار آدمکش - امثال ذلک - نباشد و ملت یک ملتی نباشد که دشمن با دولت است. ما می‌خواهیم بین ملت‌ها و دولت‌ها آشتی بدهیم.... ما میل داریم که همه ممالک اسلامی، همه کشورهای اسلامی، همه کشورهای مستضعفین دنیا این‌طور بشود که یک جمعیت باشند. در بین خود این جمعیت و در بین همین جمعیت، نخست‌وزیر، رئیس‌جمهور، مجلس، افراد دیگری که در بنگاه‌های دولتی هستند، تعیین بشوند تا آسیب بردار نباشد (همان، ج ۱۳، ۹۵، ۲۱ مرداد ۱۳۵۹).

امام راحل علیه السلام در قسمت منظور از صدور انقلاب را «ایجاد جمهوری» به معنای واقعی آن یعنی مردم‌سالاری را بیان می‌کنند. دو ماه دیگر دوباره امام فرمودند:

اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می‌دانیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند و دادند و دست آن‌ها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها بشود، آرزوی ما این است. معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودن که هستند و از این که همه مخازن آن‌ها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند نجات بدهد (همان، ج ۱۳، ۲۸۱، ۲۸ مهر ۱۳۵۹).

امام در این قسمت منظور از صدور انقلاب را «استقلال کشورها از بیگانگان» و قدرت یافتن ملت بر سرنوشت خویش بیان می‌دارد و با صراحت تمام، کشورگشایی و تسلط بر کشورهای دیگر را رد می‌کند.

امام راحل حدود سه سال بعد در جمله‌ای تاریخی دورنمای صدور انقلاب را «قیام مستضعفان در برابر مستکبران» بیان کردند که نویدبخش آماده شدن زمینه‌های ظهور است: ما امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش‌ازپیش می‌بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امیدبخش آتیه روشن است

و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیک تر می نماید. گویی جهان مهیا می شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و حکومت مستضعفان (همان، ج ۱۷، ۴۸۰، ۱۵ خرداد ۱۳۶۲).

هرچند امام عزیز در وصیت نامه سیاسی - الهی خویش صراحتاً به بحث صدور انقلاب پرداخته است، اما مطالبی را دارند که گویای سخنان گذشته ایشان است. در فرازی از وصیت نامه آورده اند:

و بر جمیع مسلمانان، عموماً، واجب است این امانت الهی را که در ایران به طور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج عظیمی به بار آورده، با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقای آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند؛ و امید است که پرتو نور آن بر تمام کشورهای اسلامی تابیدن گرفته و تمام دولت ها و ملت ها با یکدیگر تفاهم در این امر حیاتی نمایند و دست ابرقدرت های عالم خوار و جنایتکاران تاریخ را تا ابد از سر مظلومان و ستمدیدگان جهان کوتاه نمایند (همان، ج ۲۱، ۴۰۳، وصیت نامه).

در این فراز تأکید امام بر «استقلال کشورها از بیگانگان» است. در فرازی دیگر آورده اند: و اما به ملت های اسلامی توصیه می کنم که از حکومت جمهوری اسلامی و از ملت مجاهد ایران الگو بگیرید و حکومت های جائر خود را در صورتی که به خواست ملت ها که خواست ملت ایران است سر فرود نیاوردند، با تمام قدرت به جای خود بنشانید، که مایه بدبختی مسلمانان، حکومت های وابسته به شرق و غرب می باشند (همان، ج ۲۱، ۴۱۲، وصیت نامه).

در این فراز تأکید امام بر «ایجاد جمهوری» و اداره کشور با اراده ملت است. باز امام راحل ادامه می دهند:

اگر این چهره با آن جمال جمیل که قرآن و سنت در همه ابعاد به آن دعوت کرده از زیر نقاب مخالفان اسلام و کج فهمی های دوستان خودنمایی نماید، اسلام جهانگیر خواهد شد و پرچم پرافتخار آن در همه جا به اهتزاز خواهد آمد (همان، ج ۲۱، ۴۲۹، وصیت نامه).

در این فراز تأکید امام بر «عرضه اسلام» واقعی بر ملت هاست. ایشان در فرازی پایانی نیز می نویسند:

و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپا خیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت ها و عمال سرسپرده

آنان نترسید؛ و حکام جنایت‌کار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند از کشور خود برانید؛ و خود و طبقات خدمت‌گزار متعهد، زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید و به سوی يك دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است (همان، ج ۲۱، ۴۴۸، وصیت‌نامه).

این فراز جامع سه نکته اساسی ای است که امام راحل علیه السلام در تبیین معنای «صدور انقلاب» بیان داشته‌اند. در انتها نیز ثمره این حق طلبی را که تحقق وعده نهایی الهی بیان کرده است. آری امام راحل علیه السلام صدور انقلاب را زمینه‌ساز ظهور می‌دانستند و در آخرین بیان خود که نامه‌ای به فرزندان شهدا بود بدین امر تصریح کرده بودند:

نور چشمان عزیزم، فرزندان محترم شهدا، جانبازان، اسرا و مفقودین - ایدهم الله تعالی... آخرین سخنم در اینجا با شما اینکه به جمهوری اسلامی، که ثمره خون پدرانتان است تا پای جان وفادار بمانید و با آمادگی خود و صدور انقلاب و ابلاغ پیام خون شهیدان، زمینه را برای قیام منجی عالم و خاتم الاوصیا و الاولیا، حضرت بقیة الله - روحی فداه - فراهم سازید (همان، ج ۲۰، ۳۸، ۸ اردیبهشت ۱۳۶۵).

چنان که روشن شد ایشان سه اصل را در صدور انقلاب مدنظر داشته‌اند. عرضه اسلام ناب، قطع دست بیگانگان (استقلال) و اجرای خواست ملت‌ها (مردم‌سالاری). امام در تبیین صدور انقلاب هرگز سخنی از ترویج عقاید شیعه یا امام غایب یا ولایت فقیه به میان نیاورده است. به عبارت دیگر صدور انقلاب را هرگز به معنای جنبشی قومی و مذهبی ندانسته‌اند بلکه معنای آن را تحقق بخشیدن به مضمون روایات فریقین و عمل به انتظار حقیقی و حرکتی اسلامی (نه صرفاً شیعی) برای تحقق زمینه‌های ظهور موعود اسلام بیان کرده‌اند.

مع‌الأسف آن چه معاندان از آن غافل‌اند یا خود را به تغافل زده‌اند سخنان روشن امام خمینی علیه السلام در معنای صدور انقلاب است. محمد بن سلمان ولیعهد جوان عربستان برای شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی مدعی شده است بنابه آن چه در وصیت‌نامه امام خمینی علیه السلام آمده است نظام جمهوری اسلامی ایران برای زمینه‌سازی ظهور امام غایب در صدد ترویج اندیشه‌های مذهب جعفری^۱ و ولایت فقیه در سایر کشورهاست.^۱ هرچند به بشارت روایات

۱. کیف تتفاهم مع نظام قائم علی آیدیولوجیا متطرفه منصوص علیها فی دستوره و فی وصیة الخمینی و یجب أن یسیطر

دشمنی‌ها به حرکت حق طلب ضرری نخواهد توانست بزنند اما به هرروی روشن شد که سخنان امام راحل علیه السلام گواهی انکارناپذیر بر غلط بودن سخنان این حاکم خام است. امام تسلط بر کشورهای دیگر را به صراحت رد کرده‌اند و تنها ترویج اسلام ناب را برای دست‌یابی ملت‌ها به استقلال و مردم‌سالاری، لازم دانسته‌اند.

نتیجه‌گیری

بررسی روایات انتظار در کتب فریقین نشان داد انتظار موعود نزد فریقین امر مشترکی است حتی برداشت منفی و پاسخ آن نیز در فریقین بیان شده است. در موضوع زمینه‌سازی برای ظهور نیز لزوم آن نزد فریقین حتی نزد منکرین مهدویت بیان شد. وجود گروهی که همیشه به دنبال حق طلبی هستند و زمینه ظهور را فراهم می‌کنند از روایات فریقین قابل استفاده بود. ویژگی‌های گروه زمینه‌ساز نیز معلوم شد که شروع قیام از شرق و پایان یافتن آن در بیت المقدس است. کمک نکردن به آن‌ها حتی مخالفت با آن‌ها آسیبی را متوجه آن‌ها نمی‌کند. نبرد آخرشان با دجال به رهبری امام مهدی علیه السلام و با نزول حضرت عیسی علیه السلام خواهد بود. در پایان نیز روایت دعوت مردم قمی به حق طلبی بیان شد و معلوم گردید مقصود امام خمینی از صدور انقلاب هرگز گرایش‌های شیعی نیست بلکه به دنبال ترویج و ایجاد سه امر مهم اسلام ناب، استقلال و مردم‌سالاری هستند. معلوم شد سخن بن سلمان بهره‌ای از حقیقت ندارد و تنها برای شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی بیان شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شهرت
سال دوازدهم، شماره ۴۵/۱، بهار ۱۳۹۷

۱۴۶

۱. علی العالم الإسلامي و نشر المذهب الجعفری الاثنی عشری الخاص بهم فی جمیع أنحاء العالم الإسلامي حتی یظهر المهدي المنتظر. (مصاحبه با شبکه MBC دوم می ۲۰۱۷).

۲. إن النظام الإيراني الذي يحاول نشر فكره المتطرف عبر الترويج لولاية الفقيه، يسعى لذلك اعتقاداً منهم أن الإمام المخفی سیظهر و سيعود لیحكم العالم من ایران و ينشر الإسلام حتى فی الولايات المتحدة و هم یروجون لذلك كل يوم منذ الثورة الإيرانية فی عام ۱۹۷۹م و هذا الشيء مسلم به فی قوانینهم و تثبتته أفعالهم. (مصاحبه با مجله آتلانتیک آمریکا، سوم آوریل ۲۰۱۸).

منابع

قرآن

- ألبانی، محمد بن حاج نوح، سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها، چاپ اول، رياض: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، (ج ۱ - ۴: ۱۴۱۵ ق)، (ج ۶: ۱۴۱۶ ق)، (ج ۷: ۱۴۲۲ ق).
- _____، موسوعة الالباني في العقيدة، صَنَعَهُ: شادي بن محمد بن سالم آل نعمان، مركز النعمان للبحوث والدراسات الإسلامية وتحقيق التراث والترجمة، يمن، چاپ اول، ۱۴۳۱ ق.
- ابن ابی شبيهه، عبدالله بن محمد، المصنف في الأحاديث والآثار، محقق: كمال يوسف الحوت، مكتبة الرشد، رياض، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
- ابن بابويه، محمد بن علي، كمال الدين وتمام النعمة، مصحح غفاري، علي اكبر، چاپ دوم، تهران: اسلاميه، ۱۳۵۹ ش.
- _____، الخصال، مصحح غفاري، علي اكبر، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
- _____، عيون أخبار الرضا عليه السلام، مصحح لاجوردی، مهدي، چاپ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
- ابن بطلال، علي بن خلف، شرح صحيح البخاري، تحقيق: أبو تميم ياسر بن إبراهيم، چاپ دوم، رياض: مكتبة الرشد، ۱۴۲۳ ق.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، تحقيق: احمد محمد شاكر، چاپ اول، قاهرة: دار الحديث، ۱۴۱۶ ق.
- ابن قيم الجوزيه، محمد بن أبي بكر، إغاثة اللفهان في حكم طلاق الغضبان، محقق: محمد عفيفي، المكتب الإسلامي، لبنان: مكتبة فرقد الخاني، چاپ دوم، رياض: ۱۴۰۸ ق.
- ابن ماجه، محمد بن يزيد الربيعي، سنن ابن ماجه، محقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد - محمّد كامل قره بللي - عبد اللطيف حرز الله، چاپ اول، بی جا: دار الرسالة العالمية، ۱۴۳۰ ق.
- ابن الملقن، عمر بن علي، مختصر أسند مالك الحافظ الذهبي على مستدرک أبي عبد الله الحاكم، تحقيق ج ۱، ۲: عبد الله بن حمد اللخيدان، ج ۳ - ۷: سعد بن عبد الله بن عبد العزيز آل حميد، چاپ اول، رياض: دار العاصمة، ۱۴۱۱ ق.
- ابو داود، سليمان بن اشعث، سنن ابی داود، محقق: شعيب الأرنؤوط - محمّد كامل قره بللي، چاپ اول، بی جا: دار الرسالة العالمية، ۱۴۳۰ ق.
- ابو عمرو داني، عثمان بن سعيد، السنن الواردة في الفتن وغوائلها والساعة وأشراتها، محقق: رضاء

- الله بن محمد إدريس المباركفوري، چاپ اول، رياض: دار العاصمة، ١٤١٦ق.
- اميرصنعاني، محمد بن إسماعيل، *التنوير شرح الجامع الصغير*، محقق: محمد إسحاق محمد إبراهيم، چاپ اول، رياض: مكتبة دار السلام، ١٤٣٢ق.
- بخارى، محمد بن إسماعيل، *الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله ﷺ وسننه وأيامه (صحيح البخارى)*، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، چاپ اول، بی جا: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)، ١٤٢٢ق.
- برقى، احمد بن محمد، *المحاسن*، محقق: محدث، جلال الدين، دار الكتب الإسلامية، قم، ١٣٧١ق.
- بزار، احمد بن عمرو، *مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار*، محقق: محفوظ الرحمن زين الله، (حقق الأجزاء من ١ إلى ٩) و عادل بن سعد (حقق الأجزاء من ١٠ إلى ١٧) و صبرى عبد الخالق الشافعى (حقق الجزء ١٨)، چاپ اول، المدينة المنورة: مكتبة العلوم والحكم، از ١٩٨٨ م تا ٢٠٠٩ م.
- بستوى، عبد العليم عبد العظيم، *المهدى المنتظر فى ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة*، چاپ اول، مكة المكرمة: المكتبة المكية، بيروت: دار ابن حزم للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤٢٠ق.
- بيهقى، احمد بن حسين، *شعب الإيمان*، تحقيق، عبد العلى عبد الحميد حامد، چاپ اول، رياض: مكتبة الرشد للنشر و التوزيع، ١٤٢٣ق.
- ترمذى، محمد بن عيسى، *سنن الترمذى*، تحقيق: احمد محمد شاكر (ج ١، ٢) و محمد فؤاد عبد الباقي (ج ٣) و إبراهيم عطوة عوض المدرس فى الأزهر الشريف (ج ٤، ٥)، چاپ دوم، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابى الحلبي، ١٣٩٥ق.
- تويجرى، حمود بن عبد الله، *الاحتجاج بالأثر على من أنكر المهدى المنتظر*، چاپ اول، رياض: الرئاسة العامة لإدارات البحوث العلمية و الإفتاء و الدعوة و الإرشاد، ١٤٠٣ق.
- حاكم نيشابورى، محمد بن عبد الله، *المستدرک على الصحيحين*، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، چاپ اول، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١١ق.
- حكيم ترمذى، محمد بن على، *نوادير الأصول فى أحاديث الرسول ﷺ*، محقق: عبد الرحمن عميرة، بيروت: دار الجيل، بی تا.
- حميرى، عبد الله بن جعفر، *قرب الإسناد*، مصحح: مؤسسة آل البيت:، چاپ اول، قم: مؤسسة آل البيت:، ١٤١٣ق.
- خالد الراشد، *دروس الشيخ خالد الراشد*، دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية،

- [الكتاب مرقم آلیا، و رقم الجزء هو رقم الدرس، ۸۰ درساً]، بی تا.
- خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر*: مصحح حسینی کوه کمری، عبد اللطیف، قم: بیدار، ۱۴۰۱ق.
- خمینی، سید روح الله، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الأوسط*، محقق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسینی، قاهرة: دار الحرمین، بی تا.
- طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مصحح: خراسان، محمد باقر، چاپ اول، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *کتاب الغیبة*، چاپ سوم، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۲۵ق.
- طیبی، حسین بن عبد الله، *شرح الطیبی علی مشکاة المصابیح المسمی بی (الکاشف عن حقائق السنن)*، تحقیق: عبد الحمید هنداوی، چاپ اول، ریاض: مكتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۷ق.
- عباد، عبد المحسن بن حمد، *شرح سنن ابی داود*، دروس صوتیة قام بتفریغها موقع الشبكة الإسلامیة، <http://www.islamweb.net> [الكتاب مرقم آلیا و رقم الجزء هو رقم الدرس ۵۹۸ درساً]، بی تا.
- عفانه، حسام الدین بن موسی، *فتاوی بیسألونک*، (ج ۱ تا ۱۰) فلسطین: مكتبة دندیس، الضفة الغربیة، (ج ۱۱ تا ۱۴)، چاپ اول، قدس: المكتبة العلمیة و دار الطیب للطباعة و النشر، ۱۴۲۷ تا ۱۴۳۰ق.
- فخر رازی، محمد بن عمر، *اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین*، محقق: علی سامی النشار، بیروت: دار الکتب العلمیة، بی تا.
- عزیزى، علی بن احمد، *السراج المنیر شرح الجامع الصغیر فی حدیث البشیر النذیر*، بدون، بی تا.
- قاری، علی بن سلطان محمد، *مرقاة المفاتیح: شرح مشکاة المصابیح*، چاپ اول، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۲ق.
- قضاعی، محمد بن سلامة، *مسند الشهاب*، محقق: حمدی بن عبد المجید السلفی، بیروت: مؤسسه الرسالة، چاپ دوم، ۱۴۰۷ق، ۱۹۸۶م.
- قفاری، ناصر بن عبدالله، *اصول مذهب الشیعة الإمامیة الإثنی عشریة - عرض و نقد*، چاپ اول، بی جا: بدون، ۱۴۱۴ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران: اسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد، *شرح الکافی - الأصول و الروضة*، مصحح شعرانی، ابوالحسن،

- چاپ اول، تهران: المكتبة الإسلامية، ١٣٨٢ق .
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ق .
- محمد رشید بن علی رضا، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٩٩٠م .
- مسلم بن حجاج، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد مطهری، چاپ ششم، تهران: صدرا، ١٣٩٢ش .
- مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی أخبار المنتظر وهو المهدي عليه السلام، محقق: مهيب بن صالح بن عبد الرحمن البوريني، مكتبة المنار، الزرقاء - الأردن، الطبعة: الثانية، ١٤١٠ق .
- مناوی، محمد عبدالرؤوف بن تاج العارفين، التيسير بشرح الجامع الصغير، چاپ سوم، ریاض: مكتبة الإمام الشافعي، ١٤٠٨ق .
- _____، فيض القدير شرح الجامع الصغير، چاپ اول، مصر: المكتبة التجارية الكبرى، ١٣٥٦ق .
- نعمانی، محمد بن ابراهيم، كتاب الغيبة، مصحح غفاری، علی اکبر، چاپ اول، تهران: نشر صدوق، ١٣٩٧ق .
- نووی، یحیی بن شرف، المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ١٣٩٢ق .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فصلنامه علمی

سال دوازدهم، شماره ١/٤٥، بهار ١٣٩٧